

۱۲ فرهنگ سینمای جهان

مکت

یک خانم کارگردان دیگر



برایس دالاس هاوارد، دختر تران هاوارد فیلمساز مطرح سینما در راه کارگردانی نسخه تازه و احیا شده «پرواز ناوبر» است. نسخه اصلی فیلم را کمپانی والت دیزنی سال ۱۹۸۶ تهیه کرد و حالا لقب یک کالت کلاسیک را گرفته‌است. این اکشن علمی - تخیلی ماجراجویانه، چند سال است به صورت یکی از طرح‌های محبوب هالیوود برای دوباره‌سازی درآمده‌است. نسخه هاوارد دختر قرار است نگاهی تازه به داستان نسخه کلاسیک ببندازد و اثر جدیدی ارائه کند. نسخه اصلی را راندل کلیسر کارگردانی و جوئی کریمر در آن نقش دیوید را بازی کرد. او پسری ۱۲ساله است که سال ۱۹۷۸ توسط یک بشقاب پرنده ربوده شده و هشت سال بعد در همان ۱۲سالگی به زمین و خانه‌اش برگردانده می‌شود. دیوید هیچ خاطره‌ای از این سال‌ها ندارد و باید در کنار خانواده‌اش پرده از رمز و راز این ماجراها بردارد. زمانی برای شروع کار تولید تعیین نشده و کار انتخاب بازیگر نقش دیوید ادامه دارد./ هالیوودریپورتر

انصراف دوستانه سلمان خان



سلمان خان قصد داشت «انتیم» خود را برای جشن دیوالی روانه پرده سینماهای هند کند اما به درخواست رویت شتی از انجام این کار منصرف شد. شتی برای ۵ نوامبر (جمعه هفته قبل) اکشن ماجراجویانه «سورایاونشی» با بازی آکشی کومار و کاتریناکیف را در ۳۰۰۰ سالن سینمای هند اکران عمومی کرد. نزدیکان سلمان به رسانه‌ها گفته‌اند شتی با او تماس گرفت و گفت این کار را نکند. به باور شتی، حالا که سالن‌های نمایش فیلم بعد از ۱۸ ماه دوباره در سطح وسیعی بازگشایی می‌شوند، بهتر است فقط یک پلاک باستر اکران عمومی شود تا بتواند بیشترین تعداد تماشاچی را جذب کند و به جدول گیشه نمایش رونق بدهد. با این کار، سینماداران هم به فعالیت بیشتر تشویق می‌شوند. اهل فن در بالیوود از اقدام سلمان استقبال کرده و گفته‌اند او همیشه پیشقدم انجام کارهای نیک است./ بالیوودهنگاما

«گادوت» ملکه بدجنس تازه دیزنی

گال گادوت که واندررومن اکشن ابرقهرمانانه «واندررومن» است، در حرکتی تازه ردای ابرقهرمانانه‌اش را کنار می‌گذارد تا نقش یکی از شخصیت‌های خبیث معروف کمپانی والت دیزنی را بازی کند. مدیران والت دیزنی که مدتی قبل خبر ساخت نسخه زنده کارتون «سفیدبرفی و هفت کوتوله» را داده بودند، حالا می‌گویند گادوت ملکه شیطانی این نسخه خواهد بود. او در این فیلم، ملکه حسود و بی‌رحمی است که علیه سفیدبرفی طوطئه چیده و مانع وصال او با شاهزاده محبوبش می‌شود. نقش سفیدبرفی را ریچل زلگر بازی می‌کند. مارک وب کارگردانی این نسخه زنده را به‌عهده دارد و فیلمنامه‌اش را براساس داستان شاه‌پریان برادران گریم آلمانی‌تبار نوشته است. کلید فیلمبرداری فیلم اوایل سال جدید میلادی زده می‌شود. نسخه کلاسیک کارتونی سفیدبرفی سال ۱۹۳۸ اکران عمومی شد./ اسکرین اینترنشنال

«روایهای مجله‌ای» جلوی دوربین

الیجا باپنوم «روایها مجله‌ای» را با بازی جاناتن میجرز جلوی دوربین می‌برد. داستان این درام مهیج درباره یک بدنساز آماتور است که در جریان مسابقات حرفه‌ای بدنسازی و در دل خشونت‌های درونی آن، به دنبال انسانیت می‌گردد. فیلمنامه فیلم را خود باپنوم نوشته و می‌گوید داستان‌ش درباره خرد شدن روحیه انسانی در غوغای موضوعاتی چون سلبریتی‌ها و قهرمانی‌های پوشالی است. میجرز هم‌اکنون قرارداد بازی در سومین قسمت درام ورزشی «گریده» را در کنار مایکل بی جردن دارد./ امپایر

هدایت‌کننده «مرد گرگی» عوض شد

«وولفمن / مرد گرگی» که قرار است با بازی رایان گاسلینگ در نقش اصلی وارد مرحله تولید شود، درک سیافرانس را در مقام کارگردان خود دارد. کمپانی یونیورسال تهیه‌کننده این درام ترسناک است و قبل از این لی وایزمن (مرد نامرئی) را برای این کار انتخاب کرده بود. اما مذاکرات طرفین به نتیجه مثبت



«فینچ» همکاری مشترک بازیگر اسکار گرفته با فیلمساز آرژانتینی تبار

همراهی رابینسون کروزو با ربات!

ژانر فاجعه ازجمله گونه‌های محبوب سینمایی در بین کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی و همچنین شرکت‌های مستقل و کوچک فیلمسازی است. صنعت سینما از دیرباز علاقه وافری به این داشته که با خلق فاجعه‌ای خانمان برانگیز زندگی و آینده بشریت را درمخمس‌های خلاص‌ناپذیر انداخته و با این کار تماشاگرانش را وحشت‌زده کند. از بلایای طبیعی چون زمین‌لرزه و سونامی گرفته تا حمله موجودات بیگانه فضایی یا احتمال نابودی کره خاکی به‌دلیل نزدیک شدن شهاب‌سنگ‌هایی از عمق کهکشان و ویران کردن طبیعت و ساکنانش از کارها و اقدامات بدیهی تهیه‌کنندگان سینما بوده‌است. در چنین شرایطی، فیلم‌های این ژانر سینمایی آدمی تنها یا تعدادی از آدم‌ها را راهی ماجراجویی‌هایی خطرناک و پیش‌بینی نشده می‌کند، تا بتوانند سرپناهی برای خود در دل ویرانی‌های به‌جامانده پیدا کنند.



کیکاووس زبیری

فرهنگ و هنر

«فینچ» محصول تازه شبکه اپل که به صورت اینترنتی پخش شد، از جدیدترین فیلم‌های گونه سینمای فاجعه است. داستان این فیلم در آینده‌ای نه‌چندان دور رخ می‌دهد و مضمون آن تلاش برای بقا بعد از ویرانی ناگهانی بخش اعظم کره زمین است و به دوستی مردی تنها با یک ربات می‌پردازد. با این وجود، فینچ تفاوت‌های آشکاری با بقیه فیلم‌های سینمای فاجعه دارد که مهم‌ترین آنها تأکید بر وجه درام ماجراست. اگر در فیلم‌های این‌گونه برطرفردان سینمایی فاجعه محلی برای

خلق ترس و وحشت و دلهره می‌شود، در اینجا بهانه‌ای برای تعریف داستانی درام و حتی تا حد زیادی عاشقانه است. میگوئل سایوچنیک، کارگردان لاتینی‌تبار فیلم که آن را براساس داستان فیلمنامه‌ای از خودش و کریگ لاک کارگردانی کرده، فاجعه رخ داده در داستان فیلم را محملی می‌کند تا به روابط انسانی بپردازد و نتیجه‌ای اخلاقی و خانوادگی از آن بگیرد. این در حالی است که درام علمی-تخیلی آخرالزمانی او، تا حد زیادی بیننده را به یاد شخصیت رابینسون کروزوی معروف و کلاسیک می‌اندازد

نرسید و سیافرانس جایگزین او شد. این فیلمساز از دوستان قدیمی گاسلینگ است و تا به‌حال دو فیلم سینمایی را با بازی او کارگردانی کرده‌است. به صورت طبیعی، بازیگر از انتخاب او احساس رضایت‌مندی کرده است. سیافرانس می‌گوید همیشه طرفدار فیلم‌های ترسناک بوده و خوشحال است که یکی از

تعداد شخصیت‌اندک

فینچ باکمترین تعداد شخصیت داستانش را پیش می‌برد. به‌دنبال برهم خوردن سیستم آب و هوایی و وقوع یک فاجعه که منجر به سوراخ شدن لایه ازون شده، زندگی روی کره زمین تقریباً از بین رفته است و آدم‌های اندکی در اقصی نقاط کره خاکی زنده مانده‌اند. درجه حرارت به صورت طبیعی بسیار بالا می‌رود و تشعشعات رادیو اکتیو امکان زندگی را از بازماندگان گرفته است. فینچ و اینترگ (هنکس) از محدود بازماندگانی است که با سگش گودیر تلاش دارد به زندگی ادامه‌دهد اما بیماری مهلکی که به آن دچار است، به‌زودی جان‌ش را خواهد گرفت. فینچ رباتی خلق کرده و نام جف (با صدای کیپل لندری جونز) را برایش انتخاب می‌کند. وظیفه جف مراقبت و نگهداری از گودیر بعد از مرگ اوست اما به‌زودی جف خلق و خوی انسانی کسب کرده و فینچ را وادار به سفری به مقصد سانفرانسیسکو می‌کند. ادامه سفر و تلاش برای بقا، این سه را به هم نزدیک‌تر کرده و خبر از اتفاقی ناگوار می‌دهد.

فیلمنامه برطرفرد

فیلمنامه فیلم جزو کارهایی بود که صنعت سینما به‌شدت مشتاق آن است و چند کمپانی بزرگ فیلمسازی به‌دنبال خرید امتیاز ساخت فیلم سینمایی آن بودند. دوستی هنکس با رابرت زمه‌کیس باعث شد آنها فیلمنامه را برای کمپانی یونیورسال خریداری کنند و زمه‌کیس یکی از تهیه‌کنندگان‌ش شد. کارپیش‌تولید فینچ از اکتبر سال ۲۰۱۷ و بعد از مطالعه فیلمنامه توسط هنکس (که شیفته آن شده بود) آغاز شد. برای بازیگر، این فیلم نمایشی تک‌نفره بود که او می‌توانست در آن طی مدت زمانی نزدیک به دو ساعت، تماشاچی را به‌دنبال خود بکشدند و مثل صحنه تئاتر همه چیز را در دستان خود بگیرد. البته بازی هنکس در کنار رباتی مصنوعی بی‌جان بسیار خوب و طبیعی است اما بعید به نظر می‌رسد این موضوع توجه اعضای آکادمی اسکار را (که معمولاً او را برای بازی‌هایش نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد می‌کنند) به او جلب کند.

آنها را کارگردانی می‌کند. در داستان فیلم، گاسلینگ مردی معمولی است که بعد از بازگشت به شهر کوچک خود، بر اثر اتفاقی به مرد گرگی تبدیل شده و جان اهالی شهر را به خطر می‌اندازد. هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری وولفمن تعیین نشده است./ ددلاین

کل صحنه‌های فیلم در لوکیشن‌های نیومکزیکو در می ۲۰۱۹ فیلمبرداری شد. قرار بود فینچ اوایل اکتبر ۲۰۲۰ توسط کمپانی یونیورسال در سالن‌های سینماهای آمریکای شمالی پخش شود اما بعد از تعویق چند باره اکران عمومی به‌دلیل شیوع بیماری کرونا و تغییر چندباره نام آن، بالاخره این درام علمی-تخیلی به شبکه اپل فروخته شد و مدیران این شبکه هم آن را مثل دیگر محصولات‌شان راهی پلتفرم‌های اینترنتی کردند. تحلیلگران اقتصادی سینما می‌گویند بعید بود فینچ در صورت نمایش عمومی در سالن‌های نمایش، بتواند به فروش بالایی دست پیدا کند. اطلاعی از رقم هزینه‌های تولید فینچ در دست نیست و سازندگان‌ش حاضر به افشای این رقم نشده‌اند. برخورد منتقدان با فیلم مهربان بود و به بازی هنکس و صحنه‌پردازی آن و همچنین مضمون روابط انسانی اشاره داشته‌اند. منتقد هالیوود ریپورتر در این رابطه می‌نویسد: «شاید فینچ به یادماندنی‌ترین فیلم ژانر سینمای فاجعه و آخر الزمانی نباشد اما هنکس یک‌بار دیگر ثابت می‌کند بهترین

همراه و همدم در دورانی است که بشریت و تمدن از بین رفته و دیگر چیزی باقی نمانده است.»/



باز هم جنگ ویتنام روی پرده سینما



جنگ ویتنام و مسائل و مشکلات مربوط به آن دوباره به سوزه یک فیلم سینمایی تبدیل می‌شود. فیلم تازه بانام «دوگرگ» وارد مرحله تولید می‌شود و از حال و هوایی دلهره‌آور برخوردار است. ویکو موتزنسن، بازیگر کانادایی تبار سینما و کیپل لندلی، بازیگران دوگرگ هستند. فیلمنامه فیلم براساس یک داستان واقعی نوشته‌شده و نویسنده‌اش آنتونی مک کارتن از کهنه‌کاران جنگ ویتنام است. داستان فیلم زندگی و فعالیت‌های هیو تامپسون، خلبان بالگرد جنگی را در دوران جنگ ویتنام به تصویر می‌کشد. او که برای انجام مأموریت به این کشور آسیای دور فرستاده شده بود، با بالادستان و همکارانش درگیر و حاضر به اجرای مأموریت جنگی خود نشد. از تامپسون خواسته‌شده بود تعدادی از اهالی بومی ویتنام را قتل‌عام کند و این موضوع با مخالفت شدید او روبه‌رو شد. مخالفت او با قتل‌عام اهالی دهکده میلای خیلی زود به تیتراول خبری رسانه‌های دنیا تبدیل شد. تامپسون حتی در فرار و نجات جان گروهی از اهالی دهکده هم مشارکت کرد. این اقدام نه‌تنها او را به‌عنوان یک قهرمان معرفی نکرد، بلکه باعث تشکیل دادگاه نظامی علیه او شد. ژنرال ویلیام ری پیر، مأمور تحقیق درباره پرونده تامپسون شد تا ببیند واقعیت ماجرا چیست و در این دهکده واقعا چه اتفاقی رخ داده است. آلکس کینی، کارگردان فیلم که دستی هم در مستندسازی دارد، می‌گوید: «این داستانی است که همیشه می‌خواست‌م آن را در فیلمی سینمایی تعریف کنم. حالا که بهترین گروه را برای تولیدش پیدا کرده‌ام، می‌توانیم واقعیت این افسانه را به تصویر بکشیم.»/ موویرز

نسل نخود و لوبیا

درام علمی-تخیلی تازه‌ای که امیلیا کلارک و چیتل اگیوفور در آن بازی می‌کنند، نام عجیب‌وغریبی دارد. این فیلم با نام «نسل نخود و لوبیا» وارد مرحله فیلمبرداری می‌شود. سوفی بارتز برای کارگردانی این درام پرتنش، پشت دوربین فیلمبرداری قرار خواهد گرفت. داستان فیلم در آینده‌ای نه‌چندان دور رخ می‌دهد و درونمایه اصلی آن درباره حفظ خاطرات و فراموشی آنهاست. ریچل و آلوی، دو شخصیت محوری داستان فیلم با بازی کلارک و اگیوفور، زوجی نیویورکی هستند که می‌خواهند صاحب فرزند شوند. آنها برای این کار سراغ یکی از فناوری‌های نوین می‌روند که خاص دوران جدید است. این در حالی است که آلوی چندان موافق بهره‌گیری از این فناوری نیست و فقط به‌علت علاقه‌اش به ریچل است که با انجام این کار موافقت می‌کند اما برای این زوج جوان، پدر و مادر شدن با درسرها و مسائل پیش‌بینی‌نشده‌ای همراه است. بارتز درباره فیلم می‌گوید: «همکاری با کلارک و اگیوفور شبیه رؤیایی محال بود که دارد تحقق می‌پذیرد. داستان فیلم سرشار از شوخ‌طبعی، احساسات و درام است و برای دو نقش اصلی به بازیگرانی نیاز داشتیم که بتوانند در آن واحد تمام این احساسات را بیان کرده و به نمایش بگذارند.» سازندگان فیلم، مارس سال آینده میلادی را به‌عنوان زمان شروع کار فیلمبرداری آن انتخاب کرده‌اند./ اسکرین اینترنشنال

تردید از جنس اسپایدرمن



تام هولند، بازیگر نقش مرد عنکبوتی / اسپایدرمن در سری جدید این مجموعه ابرقهرمانانه و کمیک استریپی، نسبت به آینده تولید این مجموعه فیلم تردید دارد و می‌گوید مطمئن نیست قسمت‌های بعدی آن در دستور کار سازندگان‌ش قرار گیرد. ناظران دلیل این گفته‌ها را در این نکته می‌دانند که هولند قرارداد جدید برای بازی در قسمت‌های آینده این مجموعه اکشن را ندارد و تهیه‌کنندگان فیلم در شرکت مارول، هنوز او را دعوت به امضای قرارداد تازه نکرده‌اند. با اکران عمومی «اسپایدرمن: راهی به خانه نیست» در ماه دسامبر، بازیگر نمی‌داند در قسمت‌های بعدی آن هم حضور خواهد داشت یا نه؟ به همین دلیل او از این قسمت فیلم به‌عنوان پایان کار مرد عنکبوتی اسم برده است. هولند گفته است: «فکر کنم اگر قرار باشد قسمت‌های بعدی اسپایدرمن تولید شود، تماشاگران باید منتظر دیدن چیزی متفاوت باشند. سه‌گانه جدید فیلم کاملاً متفاوت از آن چیزی خواهد بود که تماشاگران در تریلوژی فعلی با بازی من دیدند. درانتظارم ببینم مدیران مارول و والت دیزنی چه می‌کنند و آیا قرارداد کاری جدیدی با من امضا می‌کنند یا نه؟ تصورم این است که این پرسش را باید از آنها بکنید و ببینید برنامه‌شان برای آینده مرد عنکبوتی‌ها چیست. درباره خودم باید بگویم دوست دام با این مجموعه فیلم همکاری داشته باشم و در آینده تعداد بیشتری فیلم اسپایدرمنی بازی کنم.»/ اینترتینمنت ویکلی

موزیکال تازه در راه

ظاهراً این روزها علاقه صنعت سینما به تولید فیلم‌های موزیکال شدت گرفته و «برای چه اینجا هستیم؟» تازه‌ترین محصول سینمایی در این زمینه است. الیزابت موس نقش اصلی فیلم را برای دیوید وین بازی می‌کند و آمازون تهیه‌کننده آن است. داستان درباره سقوط یک هواپیمای تجاری در منطقه‌ای دورافتاده است. سرنشینان هواپیمای و خدمه آن

